

آورد پس این نیز یکی از خاصیت علم است و علم را زبانی گفته اند
علم را تقوی میباید و عقلی بحال که محل باشد که خور را نادان
باید ساخت زیرا که هر کس که بعلم خود مغرور شود حق تعالی
او را بعلمی دیگر محتاج گرداند تا بداند که بالای هر علمی عالمی دیگر
هست که **وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ فَصْصَهُمْ**
این فصل در بیان آنست که علم را باید که از نخوة وجود
پینی دور باشند هر چند که کمال و زینت و نسب عالی صفت
علم او و ورع و تقوی او یا قضا لثایه رسیده باشد باید
که ظاهرا و باطنا خور را از مساکن نمود و نظر بحال آنست که
با وجود آن قدر و منزلت که ایشان را بوده یا خلق خدای بجهت
خلق نیکو زیسته اند با وجود کمال نبوة ایشان که از
ایشان اندک خدشه صادر نشد باشد بسهم ایشانرا چه
خطابهای عظیم فرموده اند **خَاطِبِ** با حصر بهترین اند
علیهم الصلوة والسلام فرموده اند که **وَكُلَّ مَا أَنْ تَبْتَغُوا**
لَقَدْ كَرِهَ لَكُمْ تَرُكِيَّ إِلَهُمُ شَيْئًا تَلِيَهُ أَلِيَّ أَوْلِيَاءِهِ

وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ فَصْصَهُمْ

الکرم

الوجه از برای آن بود که میخواست که جماعتی باسلام در آیند و ایشان
حجتی چند می آوردند و خاطر مبارک آن حضرت صلوات الله علیه اندک
میکرد که مراد ایشان بدست تا کلمه مسلمان شوند پس خدای تعالی
چیزی را وی فرمود که اگر نه ما ترا نابت میداشتیم و آنرا
مید میدردی ترا میباشانیدیم در صوة وهم در مات پر از
از ما مدد میخواستی پس چای که با آن جناب چنین عتاب میکنند
پس دیگرانرا نشاید با کمال بی نیازی او از برای هوا و هو
سخنی گویند پس فکری میکن که موسی عمرب صلوات الله علیه
علیه که بعد از ابراهیم و حضرت رساله پناه **محمدی صلوات الله**
فاضل ترین هم اینست علیهم الصلوة والسلام که در زمان نبوة
در بالای منبر بود در آشنای آنکه احکام خدای تعالی بینندگان
میرسانند کسی از وی سوال کرد که از تو عالم تر کیست
او فرمود نه پس الله سبحانه و تعالی این مقدار از وی پرسندید
پس خطاب آنکه در حضرت ما تو رجوع دانایم بخود میکنی
بایستی که بگفتی خدای تعالی بهتر میداند آنرا بهواری کسی

Copyrighted material